

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: بررسی یک اشکال در مورد نظر مختار درباره رحمت - بررسی روایات
تاریخ: ۱۶ آبان ۱۳۹۵
مصادف با: ۶ صفر ۱۴۳۸
جلسه: ۹

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در مورد فرق رحمن و رحیم عرض کردیم حق در مسئله این است که رحمن عبارت است از افاضه‌ی وجود به عالم وجود یعنی همان تنظیم نظام تکوین که شامل همه موجودات، اعم از انسان و حیوان و جمادات و نباتات و حتی عالم مجردات و عقول می‌باشد، این عمومیت دارد، و منظور از رحیم تنظیم نظام تشریح و نیز قرار دادن فطرت در نهاد انسانها و عقل که این دو باهم و به ضمیمه انزال کتب و ارسال رسل برای رساندن و هدایت بشر به سعادت است.

اشکال

یک اشکالی مطرح شده بود، و آن اینکه:

اگر گفتیم رحمت معنای افاضه وجود است و اصل وجود رحمت است و لذا شامل همه موجودات می‌شود همانطور که در قرآن آمده «و رحمتی وسعت کل شیء»^۱ آنگاه این سوال مطرح می‌شود که، به شر هم عنوان شیئی اطلاق می‌شود، چون همه چیز در این عالم خیر نیست و شر هم در این عالم وجود دارد، وقتی می‌فرماید: «و رحمتی وسعت کل شیء» و شیئی عنوان عامی است که بر همه چیز اطلاق می‌شود و به همین جهت بر شر هم اطلاق می‌شود آنگاه چگونه می‌توان شر را از رحمت خدا دانست؟

پاسخ

تارة شر در تکوینات مورد نظر است و اخری در افعال اختیاری انسان، در تکوینات ما شر محض نداریم، یعنی چیزی نداریم که سر تا پا شر باشد بلکه «بالاضافه الی شیئی آخر»، شر می‌باشد، ولی «بالاضافه الی شیئی آخر»، خیر می‌باشد، ما در تکوینات اساساً شر محض نداریم، پس اگر عنوان شیئی بر چیزی که شر است اطلاق می‌شود این نه به اعتبار شر که یک امر عدمی است اطلاق می‌شود، بلکه این به اعتبار آن حیثی است که از آن حیث دیگر شر محسوب نمی‌شود، پس شر محض نداریم، شر اضافی داریم، یعنی اینکه «بالاضافه الی امر» ممکن است شر باشد و «بالاضافه الی امر آخر» ممکن است خیر باشد.

اما در مورد اختیاریات و کارهایی که انسان انجام می‌دهد، این در واقع ناشی از اراده و اختیار انسان است، و چون اختیار واسطه‌ی بین فعل و فاعل است لذا شر در واقع مستند به اختیار فاعل است نه به خداوند، چنانچه آیه‌ای در

۱. سوره‌ی اعراف: آیه‌ی ۱۵۶.

سوره‌ی نساء بر این مطلب دلالت می‌کند، «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»^۱، اینجا در واقع اگر فعل یا کاری شر باشد این مستند به فعل خود فاعل است نه مستند به خداوند، بنابر این اگر گفته می‌شود «رحمتی وسعت کل شیء» هیچ مانع و اشکالی در آن وجود ندارد و اینکه شرور را بخواهیم مانعی در برابر رحمت خداوند بدانیم و عمومیت رحمت را مورد اشکال قرار دهیم، این قابل قبول نیست.

بررسی روایات در مورد رحمن و رحیم

مسئله‌ای که بنظر می‌رسد در اینجا باید مورد بررسی قرار دهیم روایاتی است که در مورد رحمن و رحیم وارد شده است، ما به هر حال وجوه مختلفی درباره‌ی رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه عرض کردیم، حال باید سراغ روایات رفت و با میزان روایات سنجد که کدام یک از این تفاوت‌هایی که گفتیم قابل قبول است؟

در اینجا چندین نوع روایت وارد شده است، که بر اساس آن باید دید واقعاً چه فرقی از فروق و وجوه گفته شده قابل قبول است، چون در تفاسیر نوعاً این روایات ذیل مباحث تفسیری مطرح می‌شود، اما گاهی حتی برخی از این روایات با بعضی از برداشت‌هایی که می‌شود سازگار نیست، و گاهی هم تلاشی برای جمع این روایات صورت نمی‌گیرد.

۱. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «عن النبی أن عیسی بن مریم قال: الرحمن رحمن الدنیا و الرحیم رحیم الآخرة»^۲، از پیامبر وارد شده که از عیسی مسیح (ع) نقل می‌کند که او فرمود: رحمن، رحمن دنیا است، و رحیم، رحیم آخرت، ظاهر آن این است که رحمن مربوط به دنیا و رحیم مربوط به آخرت است.

۲. از امام صادق (ع) نقل شده است، که می‌فرماید: «الرحمن بجمیع خلقه و الرحیم بالمؤمنین خاصة»^۳، در مورد «الرحمن بجمیع خلقه» دو احتمال داده شده:

الف) اینکه بگوییم رحمن به جمیع مخلوقات یعنی «عامٌ للجمیع» اعم از انسان و نبات و همه ممکنات، و رحیم هم فقط در خصوص مؤمنین است.

ب) اینکه «بجمیع خلقه» یعنی «بجمیع خلقه من الکفار و المؤمنین» یعنی فقط دایره انسانها را در نظر بگیریم، رحیم هم که در مورد مؤمنین است.

این روایت در واقع سازگار است با وجه سوم و چون دو احتمال در این روایت است، لذا همان دو فرضی که در وجه سوم بیان کردیم با این روایت قابل انطباق است.

۳. در دعای امام رضا وارد شده: «یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما»^۴، در اینجا می‌بینیم رحمن و رحیم هم برای دنیا و هم برای آخرت ذکر شده است.

۱. سوره‌ی نساء: آیه‌ی ۷۹.

۲. مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۹۳.

۳. نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۲.

۴. نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴.

۴. از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل شده است، «الرحمن الذی یرحم بیسط الرزق علینا»^۱، رحم می‌کند به ما، به اینکه رزق را برای ما بسط می‌دهد، این ظاهرش این است که در دنیا می‌باشد، چون خداوند در دنیا رزق را بر ما وسیع می‌کند، ولی اگر این وصف برای خدا ثابت شد دلیل بر این نیست که منحصر در این است، این مفهوم ندارد که غیر از این ناشی از رحمت رحمانیه نیست.

۵. امیرالمؤمنین، می‌فرماید: «العاطف علی خلقه بالرزق لا یقطع عنهم مواد رزقه و إن انقطع عن طاعته»^۲ کسی که بر خلق خود عطف و مهربان است، و اساس رزق خود را از خلقش قطع نمی‌کند، هرچند آنها از طاعت او روی گردان شوند؛ ظاهراً این روایت این است که رحمت خداوند اولاً برای این دنیا است و ثانیاً شامل همه است، چه معصیت کاران و چه فرمان برداران، چه مؤمنین و چه کافرین.

۶. روایت دیگری از امام صادق(ع) وارد شده است: «الرحمن اسمٌ خاصٌ بصفة عامه و الرحیم اسمٌ عامٌ بصفة خاصه»^۳، رحمن اسم خاص است، لکن به صفت عام و رحیم اسم عام است به صفت خاص، اینکه اسم عام به صفت خاص یا اسم خاص به صفت عام به چه معناست؟

رحمن، «اسم خاص»، این می‌تواند بر آن وجهی که ما گفتیم منطبق شود، «اسم خاص» به این معناست که رحمن مختص افاضه تکوینیه است اما «بصفة عامه»، یعنی همه را در بر می‌گیرد، افاضه تکوینیه شامل انسان مؤمن و کافر می‌شود، شامل جماد، نبات، مجرد و... همه را در بر می‌گیرد، پس «اسم خاص بصفة عامه»، مختص به افاضه تکوینیه است، «اسم خاص بالافاضة التکوینیه»، «بصفة عامه» یعنی عموم خلق را در بر می‌گیرد، افاضه برای همه است، آنوقت «رحیم اسم عام» رحیم هم افاضه‌ی تشریحی را در بر می‌گیرد، دین و هدایت و ارسال رسل و انزال کتب و فطرت، عقل، اما «بصفة خاصه»، اثرش در کسانی ظاهر می‌شود که پذیرای این دعوت باشند که نهایتاً مؤمنین می‌شوند.

این تقریباً مجموع روایاتی است که درباره‌ی رحمن و رحیم ذکر شده است، این نشان می‌دهد اولاً اهل بیت(ع) به تفکیک این دو توجه داشته و این را بیان فرموده‌اند. به علاوه این که این روایات با هم تنافی ندارند، توجه به این موضوع در بین روایات مهم است که گاهی با روایات که مواجه می‌شویم می‌بینیم در جاهای مختلف مثلاً اموری به عنوان رأس ایمان ذکر شده است، رأس به نظر ظاهری یک چیز بیشتر نمی‌تواند باشد، یا رکن، تعبیری مثل رکن یا رأس در روایات بیان شده، اما به امور مختلف نسبت داده شده است. در جایی می‌فرماید: صبر رأس ایمان است، در جای دیگر می‌فرماید: عقل رأس ایمان است، یا ترک معصیت رأس ایمان است، اینها باهم تنافی ندارد، اگر جایی به یک حیث و جهت خاصی اشاره شد و آن به عنوان رأس ایمان شمرده شد این نافی مدخلیت و رکنیت سایر امور نیست، در اینجا هم این روایات هرکدام به یک جهتی و یک حیثی اشاره کرده‌اند، یعنی اگر می‌فرماید: «الرحمن الذی یرحم بیسط

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۶۹.

۲. بحار، ج ۸۹، ص ۲۴۸.

۳. نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴.

الرزق» این به یک جهت اشاره کرده است و نمی‌خواهد رحمن را منحصر به این کند، آن حیثی که در این روایت مورد اشاره قرار گرفته این است که خداوند تبارک و تعالی در دنیا تکوینیات را تنظیم کرده و افاضه وجود می‌کند به همه این عالم، مسئله فقط مسئله رزق نیست، حتی مسئله رزق به خصوص انسان نیست، اگر امیرالمؤمنین فرموده است، «ببسط الرزق علينا» مثلاً از باب ذکر اشرف افراد یعنی انسان بوده است، و إلا می‌تواند با آن افاضه تکوینیه هم قابل جمع باشد، یا مثلاً اینکه «العاطف علی خلقه بالرزق، لا یقطع عنه مواد رزقه، و إن انقطعوا عن طاعته» می‌تواند به مسئله افاضه تکوینیه اشاره داشته باشد، رحمن در واقع افاضه تکوینیه و وجود است، تنظیم عالم تکوین است، طبیعتاً به همه مخلوقات خود رزق و روزی می‌دهد حتی آنها که معصیتش را انجام دهند.

یا این دعای امام رضا که می‌فرماید: «یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما» اگر ما افاضه وجود و افاضه تکوینی را مساوی با معنای رحمت رحمانیه دانستیم، این هم در دنیا و هم در آخرت است، وابستگی خلق به معنای مخلوق به خداوند فقط برای این دنیا نیست، در آخرت هم هر لحظه وجود انسان وابسته به آن وجود مطلق است، لذا می‌توانیم بگوییم «رحمن الدنیا و رحمن الآخرة»، یا اینکه «الرحمن بجمیع خلقه» اختصاص به دنیا ندارد، افاضه تکوینی رحمتی است که خداوند هم در دنیا دارد و هم در آخرت و نسبت به همه موجودات است.

نتیجه

هیچ یک از روایاتی که خواندیم با آن وجهی که ما اختیار کردیم نه تنها تنافی ندارد بلکه همه اینها با هم قابل جمع است، نه بین این روایات و آن وجه تنافی است و نه بین خود این روایات، فقط روایاتی با این مضمون که رحمن مختص به دنیا و رحیم مختص به آخرت می‌باشد باقی می‌ماند. این وجه قطعاً قابل قبول نیست، نقض دارد، ما هم از آیه و هم از روایت نقض آن را بیان کردیم، «لا تقتلوا انفسکم إن الله بکم رؤوفٌ رحیم» نشان می‌دهد رحمت رحیمیه در دنیا هم وجود دارد، در مورد آخرت هم همین‌طور، پس اینکه ما بگوییم رحمن مختص دنیا و رحیم مختص آخرت است، این به هیچ وجه قابل قبول نیست و «منقوضٌ ببعض الآیات و بعض الروایات»، پس باید این روایات را معنا کنیم و لذا می‌گوییم:

اولاً ظهور این روایات هم در اختصاص نیست، از این روایات استفاده نمی‌شود که رحمن اختصاص به دنیا و رحیم اختصاص به آخرت دارد، حتی این روایت که پیامبر از عیسی بن مریم نقل فرمودند و بعضی از روایات دیگر که قریب به مضمون دارند، در واقع انحصار و اختصاص استفاده نمی‌شود، البته ممکن است حیث افاضه‌ی تکوینی، افاضه‌ی وجود، در این دنیا برجسته‌تر باشد و آن حیث مربوط به نظام تشریح و آثاری که دارد در آخرت برجسته‌تر باشد، یعنی جلوه‌ی عالم دنیا به رحمت رحمانیه است، نه اینکه منحصر در این باشد، به نحوی که بخواهیم با آن وجه غالب بخواهیم آن را توصیف کنیم.

لذا در مجموع بین روایات هم تنافی نیست و این روایات با این توضیحاتی که دادیم می‌تواند مؤید وجهی باشد که ما اختیار کردیم.

«والحمد لله رب العالمین»